

**نویسنده:** پروفیسور میخایل چوسدوفسکی «Prof. Michel Chossudovsky» .  
منبع و تاریخ نشر: گلوبال ریسرچ «دوهم جولای سال «2013» .  
**برگردان:** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

---

« **براه انداختن جنگ با ارزش** »: ذخایر عظیم از مواد معدنی و گاز  
طبعی در افغانستان

„The War is Worth Waging“: Afghanistan’s vast  
Reserves of Minerals and Natural Gas

جنگ براه انداخته شده در افغانستان جنگ بر سر منابع است

The War On Afghanistan is a Profit driven “resource War”

- \* تجاوز نیروهای ایالات متحده امریکا و ناتو بالای افغانستان بیشتر از یازده سال قبل.
- \* افغانستان را به عنوان کشور حامی از تروریسم تعریف کردند.
- \* ادامه جنگ در افغانستان بعنوان یک جنگ منادی در پاسخ به حملات «9/11» اعلام شده است .
- \* این مقاله برای بار اول در سال «2001» مبنی بر «دلایل واقعی اقتصادی» که چرا نیروهای ایالات متحده امریکا و ناتو یازده سال قبل بالای افغانستان تهاجم نمودند بدست نشر سپرده شده بود .
- \* استدلال حقوقی را که واشنگتن و ناتو مبنی بر تجاوز شان بالای افغانستان و اشغال آن کشور می نمایند دکتروینی است که آنها این دکتروینی را بعد از حملات «یازدهم سپتمبر سال 2001» یعنی یک حمله مسلحانه نا اعلام شده از خارج کشور توسط یک نیروی خارجی بایک ادرس نامشخص پیشکش نمودند و آن را بنام «دکتروینی امنیت دستجمعی» نا مگذاری کردند.

**میخایل چوسدوفسکی ، پنجم فبروری سال «2013»:** بمب

گذاری و تجاوز بالای افغانستان رابه پیشگاه مردم عامه جهان بعنوان «جنگ عدالت» پیشکش نمودند. جنگ مستقیم علیه طالبان و القاعده ، جنگی بخاطر امحای «تروریسم افراطی» و فراهم اوری دیموکراسی نوع غربی در کشور .  
ایالات متحده امریکا و ناتو بخاطر اهداف اصلی خود و بخاطر مغشوش ساختن اذهان عامه بعد اقتصادی این جنگ را تذکر نداده و تاکید بیشتر بر موضوع مبارزه علیه

تروریسم را اصل قرارداد مردم را به جنگ دستجمعی علیه تروریسم فرا میخواند . درحالیکه جنگ در افغانستان یک بخشی از بهره برداری سود است که اجندای این متجاوزین را تشکیل میدهد جنگ فتح و تسخیر اقتصادی ، جنگ غارت و بالاخره « جنگ منابع» و یا تصرف منابع موجود افغانستان .

باید اذعان کرد که افغانستان بعنوان یک مرکز ستراتیژیک در آسیا میانه موقیعت دارد . که هم مرز با اتحادشوروی سابق ، چین ، ایران و در چهارراهی مسیر خط لوله انتقال مواد انرژی قرار دارد ، و خود دارای منابع غنی و سرشار از مواد نفتی و ذخایر دست نخورده گاز طبیعی می باشد ، که از داشتن این ثروتهای چشمگیر مردم امریکا تا سال (2010) کاملاً بی خبر بودند و یا برای آنها این منابع ناشناخته باقی مانده بود . بر اساس گزارش مفصل پنتاگون ، انستیتوت زمین شناسی ایالات متحده امریکا (USGS) و آژانس توسعه بین المللی ایالات متحده امریکا (USAID) ، افغانستان همین اکنون (قبلاً ناشناخته) ذخایر دست نخورده مینرال ها را دارد که ارزش مجموعی آن به یک تریلیون دالر تخمین زده شده است («نیویارک تایمز ایالات متحده امریکا شناسایی ثروت قریب به اتفاق مواد معدنی در افغانستان NYTime.com «14» جون «2010» و همچنان بی بی سی - 14 6 2010) .

## معادن و ذخایر ناشناخته شده و یا نامنکشف شده قبلی: رگه های

اکثر مینرالها بشمول رگه های وسیع آهن ، مس ، کوبالت ، طلا و فلزات مهم صنعتی از قبیل لیتیوم ، به مقیاس و به مقادیر کافی و از جانبی همچنان مینرالهای بیشتر دیگری که برای صنعت مدرن از جمله مواد اساسی شمرده می شوند که میتواند افغانستان را در مقام و جایگاه شاخ بسیار بزرگ و مهم مرکز معادن دنیا قرار دهد کاملاً روشن است آنچنانیکه مقامات بلند بالای ایالات متحده به همین باور و عقیده اند . در یادداشت های داخلی پنتاگون بگونه مثال چنین ثبت و یا داشت شده است که افغانستان میتواند جاگزین «لیتیوم عربستان سعودی» گردد و لیتیوم یعنی ماده ایست که در ساخت باطری های لاپ تاپ و تبلیفون های همراه از آن کار گرفته میشود و یک ماده بسیار مهم و ضروری پنداشته میشود .

اندازه و مقیاس گسترده ای از ثروت معادن افغانستان که توسط یک تیم

کوچک پنتاگون و جیولوژیست های ایالات متحده امریکا کشف گردید ،

و حکومت افغانستان و ریس جمهور حامد کرزی درین تازه گی ها از جریان آن طی یک صحبت خبری به آگاهی عامه رسانید ، این مطلب را یک مقام رسمی امریکا بیان نمود .

قابل یادآوری است که انکشاف و توسعه صنعت معادن در افغانستان شاید سالهای

طولانی را دربرگیرد و قرار گفته ای کارشناسان و ماهران صنعت مدرن پوتانسیل این

معادن بیشتر بزرگ و زیاد است و بقول آنها ایجاب میکند که قبل از بهرداری این معادن باید در ارتباط تربیه پرسونل کار آگاه و مشاغل صنعت معادن سرمایه گذاری شود که این خود نسل درگیر جنگ را از جنگ باز میدارد.

جنرال دیوی پتریوس فرمانده کل نیروهای نظامی ایالات متحده امریکا از مرکز فرماندهی در افغانستان طی صحبتی گفت که پوتانسیل معادن افغانستان خیره کننده است و به مطالعه آن اکثر منابع و نهادهای اکتشافی بین المللی تمایل دارند تا اگر برای شان فرصت داده شود که به مطالعه این ذخایر دست نخورده بپردازند اما بطور بالقوه من فکر میکنم که پوتانسیل آن قابل توجه است.

ارزش ذخایر معدن تازه کشف شده در افغانستان از اندازه مصارف اقتصادی جنگ کثیف موجود که عمدتاً هزینه آن از تولید تارپاک و قاچاق مواد محدره و همچنان از کمک های ایالات متحده امریکا و دیگر کشورهای صنعتی تهیه میگردد کمتر است. تولید ناخالص (GDP) داخلی افغانستان تنها حدود (12) میلیارد دلار تخمین زده شده است « مشاور وزارت معادن و صنایع افغانستان آقای جلیل جمیریانی (Jalil Jumriany) در یک صحبت توضیحی خود گفت که عاید ناشی از معادن در افغانستان ستون فقرات اقتصادی افغانستان را در آینده ها تشکیل خواهد داد. (نیویارک تایمز op,cit).

بقرار گزارش نیویارک تایمز افغانستان از نظر ذخیره لیتیوم عنقریب بدیل لیتیوم عربستان سعودی خواهد گردید ، لیتیوم یک منبع حیاتی و یا یک ماده حیاتی است که در ساخت باطری های لپ تاپ و تلفونهای همراه و هم در نزدیکی های نه چندان دور در ساخت موتر های برقی بکار خواهد رفت که یک ماده ضروری پنداشته میشود و از همین جهت ماده با ارزش و گرانبها میباشد. همین اکنون چیلی - استرلیا- چین و ارجنتاین از جمله کشورهای عمده تولید کننده لیتیوم برای مارکیت جهانی میباشد. بلوویا و چیلی کشورهای اند که از نظر ذخایر لیتیوم غنی و سرشار اند. ، در این اواخر پنتاگون به سروی و کاوش زمین در غرب افغانستان پرداخته و در مورد چنین بیان نمود که در تفحص و اکتشاف مقدماتی و یا اولی که در ولایت غزنی صورت گرفت مقدار و یا ذخیره لیتیوم ولایت غزنی بیشتر از ذخیره لیتیوم بلوویا تخمین میشود. (ایالات متحده امریکا شناسایی ثروت قریب به اتفاق مواد معدنی در افغانستان NYTime.com چهاردهم جون سال «2010» لیتیوم در ویکیپدیا نیز ملاحظه و مطالعه شود.)

## ذخایر قبلاً ناشناخته شده ای مینرالها در افغانستان : برآورد

ذخایر معادن و مینرالهای افغانستان که از طرف پنتاگون نزدیک به یک تریلیون دالر از ذخایر قبلی نا منکشف شده بیسار مفید صورت گرفته است رقم تخمینی و پیشبینی شده است که به مراتب از ارزش واقعی کنونی ذخایر افغانستان یک رقم پایین و کم

است بنا ما خواستیم آنجا معادن و ذخایر را ببینیم و تا بدانیم که در آنجا چیست؟ و بعداً بپرسیم و یا دریابیم که ارزش مجموعی این مواد به نرخ دالر امروزی چند است چنین معلوم میشود که رقم یک یک تریلیون دالر مبلغی است که به آگاهی عامه رسانیده شده بود (سندی تایم - لندن «15» جون «2010» تاکید موکد).

از نتایج مطالعات سروی جیولوژیکل ایالات متحده امریکا ( آنچه در یادداشت های پنتاگون درج و ثبت است ) پیرامون ارزش مینرالهای افغانستان که سه سال قبل یعنی در سال (2007) در کنفرانس مسولین اطاق های تجارت افغانستان و ایالات متحده امریکا مورد بحث و بررسی قرار گرفت موضوع ارزش و یا مقیاس ثروت قابل حصول در آن وخت و زمان کاملاً مشخص نشده بود که به آگاهی عامه رسانیده میشد . به اذعان اداره ایالات متحده امریکا برای بار اول مبنی بر شناخت منابع عظیم مینرال ها و انرژی بشمول گاز طبیعی افغانستان بدنبال گزارش ماهران زمین شناسی ایالات متحده امریکا در سال «2007» همچو مثل شاه ماهی قرمز هم برای نخبگان تجارت و سوداگری و هم برای حکومت ایالات متحده امریکا قبل از جنگ افغانستان و شوروی (1988-1079) معلوم و آشکار بود .

بررسی های زمین شناسی و یا جیولوژیکی و اکتشافات معادن در افغانستان که طی سال (1970) تا اوایل سال (1980) توسط ماهران زمین شناسی اتحاد جماهیر شوروی سابق صورت گرفته بود از آن چنین پیدا است : که افغانستان سرشار از ذخایر عظیمی از مواد معدنی اعم از ذخایر کاپی مس «copper» (از جمله منبع سرشار در آسیا و اروپا) ، آهن (iron) ، سنگ معدنی کروم (chrome ore) از کلاس بالا ، اورانیوم (uranium) ، بیریل (berly) ، باریت (barite) سرب (lead) ، زنک (zinc) ، فلورسپار (fluorspar) ، باوکیست (bauxite) لیتیوم (lithium) ، تنتالوم (tantalum) زمرد (emerald) طلا (gold) و نقره (silver) میباشد (سالنامه بررسی معادن افغانستان - ژورنال معادن جون سال «1984»). از بررسی و سروی معادن و ذخایر سرشار افغانستان چنین استنباط میگردد که ارزش مجموعی این مواد معدنی به نرخ امروز بیشتر از یک تریلیون دالر میباشد نسبت به آنکه پنتاگون و جیولوژیست های ایالات متحده امریکا و آژانس توسعه بین المللی ایالات متحده امریکا تخمین زده و یا برآورد نموده اند .

در گزارش تازه یعنی در سال (2002) کرملین آنچه که در مورد معادن افغانستان تا همین اکنون میداند با تاکید و تایید چنین بیان داشت : اکنون از هیچکس پنهان نیست و آن اینکه افغانستان دارای معادن سرشار از ذخایر مواد مهم معدنی میباشد بخصوص ذخیره مس در معدن عینک ولایت لوگر آهن در حاجیگک همچنان یورانیوم ، سنگ پولی میتالییک (polymetalic ore) ، نفت و گاز (RIA Novosti , January 6, 2002).

افغانستان راهیچ استعمارگر نتوانسته طور دایم در تحت استعمار خود درآورد و یا هیچ

استعمارگر قبل از سال «1950» فرصت آن را نیافته که دل این کشور را بخاطر دریافت مواد معدنی با خاطر آسوده بشگافد، بهر صورت اکنون معلوم شده که در دل دامنه سلسله کوه های هندوکش به مقیاس گسترده مواد معدنی خوابیده و ذخیره میباشند، در بیش از چهل سال گذشته ده ها لایه و یا ذخیره مواد معدنی در افغانستان کشف گردیده است که کشف اکثر این مواد معدنی بیشتر حیرت اورومهیج کننده بوده و حیرت اوربندین اساس که موضوع کشف اکثر معادن از نظر همگان مخفی گذاشته شده میشد ولی بهر صورت همین اکنون دیگر آن رازداری از میان برداشته شده و موضوع ذخایر مواد معدنی در افغانستان از نظر کسی مخفی و پوشیده باقی نمانده است.

اکنون معلوم شده که افغانستان ذخایر فلزات آهنی و غیر آهنی و احجار قیمتی و نباتات طبی زیادی دارد که به احتمال قوی از درآمد آن تمام نیازمندیهای کشور میتواند رفع گردد در جنوب افغانستان در ولایت لوگر در چهل کیلومتری کابل معادن مس عینک قرار دارد که استخراج آن به سرمایه کمتر میتواند صورت گیرد، ذخیره آهن در حاجیگک در مرکز ولایت بامیان، و سنگ های دیگر معدنی در انولا وجود دارد که این مواد متذکره به مقادیر بیشتر در این معادن بشکل دست نخورده موجود است که مقدار آن «500M» تون تخمین شده است، معدن ذغال سنگ در همین ولایت نیز نه چندان دور از این معادن کشف گردیده است.

چنین گفته میشود و یا به همه معلوم است که افغانستان در چهار راهی ترانزیت نفت و گاز قرار دارد، بهر صورت تعداد کمی از مردم میدانند که اکتشافات معادن افغانستان توسط متخصصین زمین شناسی اتحاد جماهیر شوروی سابق کشف شده است که از آن جمله استخراج گاز شبرغان را میتوان نام گرفت که در سال «1960» برای اولین بار خط لوله گاز از افغانستان به ازبکستان تمدید گردید که در آن زمان از طریق همین لوله گاز به اتحاد شوروی سالانه در حدود «2،5» بلیون کیوبیک متر (2,5 bn) گاز انتقال می یافت و در عین زمان ذخیره مقدار زیاد طلا،، باریت، فلوریت و ماربل اونیکسس (marble onyxes) که یکی از مواد بیشتر کمیاب در جهان میباشد نیز ذخایر آن در افغانستان موجود است.

به هر صورت معدن و یا ذخیره سنگ خارا در شرق کابل کشف شده که از هر نگاه قابل تعجب و حیرت است، یاقوت، بریلیوم، زمرد، کونزیتس (kunzites) و هید نیتس (hiddenites) که در هیچ نقطه از جهان قابل دسترس نیست در اینجا یعنی در شرق کابل به امتداد صدها کیلومتر ذخایر و رگه های آن موجود است، و از جانبی در اینجا رگه های از مواد کمیاب شامل بریلیوم، لیتیوم، و تانتالیوم که از جمله مواد مهم استراتژییک بشمار میروند نیز بملاحظه میرسد ( مواد یکه در ساخت و ساز فضایی و فضا پیما ها از آن کار گرفته می شود ).

## به راه انداختن جنگ سوداوری و یا با ارزش... ( افغانستان «کشور زمره» )

اولگابورسیوبا ، کارابان ، الماتی : که ترجمه اصلی آن از متن روسی توسط بی بی سی در «26 اپریل سال «2002» از صفحه دهم ترجمه شده است).

طوری که افکار عمومی مردم را توسط جنگ وجدال تغذی می نمایند و میگویند که این کشور جنگ زده روبه انکشاف فاقد منابع زیر زمینی و منابع مینرالها و ....  
...میباشد حرف جداگانه است ولی آنچه که واقیعت دارد اینست که کارشناسان سابق اتحاد جماهیر شوروی در دوران حضور شان در افغانستان بعد از تفحصات و کندن کاری ها دریافته اند که این کشور از نظر ذخایر مواد معدنی یکی از کشورهای بی مانند در سطح جهان می باشد .

موضوع « ناشناخته بودن ذخایر قبلی » بجزازیک تصویربجا و ذهنیگرانه چیزی دیگری نمیتواند باشد و اشاعه نمودن اینکه افغانستان فاقد معادن و یامواد معدنی و مینرالهاست خود یک برخورد خصمانه و تنگ نظرانه میباشد از اینکه گفته میشود که پنتاگون درین اواخر از موجودیت ذخایر و مواد معدنی در افغانستان مطلع میگردد که افغانستان از نظر ذخایر مواد معدنی و یا ذخایر مینرالها در جهان از جمله ثروتمندترین کشورها محسوب میشود بخصوص در مقایسه با جمهوری دموکراتیک کانگو یا قبلاً زایر (Zaire) در دوران موبوتو . از گزارش ماهران و زمین شناسان اتحاد جماهیر شوروی چنین پیدا است که تمام اطلاعات به ارتباط مواد معدنی افغانستان که در دوران جنگ سرد بدست آمده آنرا میتوان طور ذیل با جزئیات آن به تفصیل گیریم.

..... ماهران و جیولوجیست های سابق شوروی راپور اکتشافات گسترده ای شان را در نقشه های عالی و فوق العاده چنین گزارش داده اند که در افغانستان بیشتر از «1400» اقلام مینرالها و مواد معدنی وجود دارد که از آن جمله «70» قلم از این مواد همین اکنون اقلام تجارتی بوده اند ..... همچنان از جانب اتحاد جماهیر شوروی برویت پیشنهاد زمین شناسان شوروی تعهد شد که برای اکتشاف منابع و توسعه ای معادن افغانستان «650» میلیون دالر بودجه تدارک گردد که مصارف این پول شامل ساخت پالایشگاه نفت نیز بوده که سالانه طور تخمین ظرفیت تصفیه نیم میلیون تن نفت را داشت و علاوه بر آن در نظر بود که یک مجتمع ذوب مس عینک نیز روبراه گردد که سالانه در حدود «1،5» ملیون تن مس ذوب گردیده و به بهره برداری گذاشته شود . بدنبال عقب نشینی اتحاد جماهیر شوروی از افغانستان با مطالعه و تحلیل و تجزیه ای که از جانب ماهران بانک جهانی صورت گرفت چنین گزارش شده که تولید و عرضه مس عینک تقریباً «2%» نیازمندی مارکیت جهانی را میتواند مرفوع سازد. همچنان افغانستان ذخایر عظیم ذغال سنگ را در محلات چند خود نیز دارد ، بررسی ذخیره آهن حاجیگک در دامنه های کوه هندوکش در حلقه اتصال با غرب کابل نشان میدهد که

این معدن از نقطه نظر مقدار ذخیره آهن یک از ذخایر عظیم در سطح جهان می‌تواند محسوب شود ( John C.K Daly, Analysis: Afghanistan's untapped energy, UPI Energy, October 24, 2008, emphasis added)

## گاز طبیعی افغانستان : افغانستان در واقعیت امر از نظر موقعیت خود یک پل

بر روی زمین است، تجاوز ایالات متحده امریکا بالای افغانستان در سال «2001» نتیجه تحلیل و بررسی پالیسی خارجی ایالات متحده امریکا بوده و چنین تفسیر می‌گردد که ایالات متحده امریکا، برای تامین امنیت اش نیاز دارد که بر دهلیز حمل و نقل ستراتیژیک ترانس افغان باید کنترل داشته باشد، دهلیزی که دریای خزر را با دریای عرب پیوند می‌دهد.

چندین پروژه خط لوله ترانس-افغان را پروژه های نفت و گاز تشکیل می‌دهد (ترکمنستان افغانستان – پاکستان و هندوستان) که طول آن در حدود «1900» کیلومتر تخمین گردیده که گاز ترکمنستان را از این دهلیز یا از مسیر افغانستان به بیرون انتقال می‌دهند که این دهلیز را تحت نام « دهلیز حمل و نقل بسیار مهم » یاد نموده اند. (Gary Olson دیده شود. افغانستان هرگز جنگ (خوب و لازم) در ارتباط به کنترل و داشتن تسلط بالای نفت نداشته ندای صبح اول اکتوبر 2009).

تشدید تنش نظامی و توسعه جنگ افغان – پاکستان در ارتباط خط لوله (ترکمنستان – افغانستان – پاکستان و هندوستان) بوده. و ترکمنستان از نظر داشتن ذخایر عظیم گاز بعد از روسیه و ایران سومین کشور در سطح جهان می‌باشد، پس در این صورت داشتن کنترل ستراتیژیک بر مسیر انتقال گاز ترکمنستان در خارج از ترکمنستان یکی از مهمترین هدف و اجندای واشنگتن بعد از انقراض و سقوط اتحاد جماهیر شوروی در سال (1991) می‌باشد.

آنچه که به ارتباط جغرافیای خط لوله گاز (ترکمنستان – افغانستان – پاکستان و هندوستان) بملاحظه میرسد تنها این موضوع نیست که افغانستان در همسایگی کشورهای غنی و سرشار از منابع گاز طبیعی (ترکمنستان) قرار دارد بلکه همچنان نگرانی از این سبب نیز است که خود افغانستان دارای محلات غنی از گاز طبیعی می‌باشد چنانچه ماهران و جیولوجیستان شوروی وخت در اثر تفحصات شان مقدار این ذخیره گاز طبیعی را (بطور ثابت جمع احتمال) در حدود «5» تریلیون مکعب فیت و انمود ساخته اند و از آنجمله بگونه مثال معدن «خواجه گوگردک» است که ذخیره موجود گاز آن دوتریلیون کوبیک فیت است. (ژورنال اتحاد جماهیر شوروی مبنی بر حفظ نفوذ اش بالای نفت و گاز افغانستان دوم ماه می سال 1988).

اداره معلومات انرژی (EIA) ایالات متحده امریکا طی سال (2008) درک نمود که

ذخایر گاز طبیعی افغانستان قابل ملاحظه است .  
« طوریکه همه میدانیم که حوزه شمال افغانستان بسوی جنوب آسیایی مرکزی بارور و سرشار از گاز طبیعی میباشد حوزه ای آمو دریا نیز دارای منابع و ذخایر گاز طبیعی نیز می باشد که میزان ذخیره آن را «5» تریلیون تن مکعب فیت تخمین نموده اند  
(UPI John C.K . Daly, Analysis: Afghanistan 's untapped energy, October 24, 2008 ) .

با بیرون شدن اتحاد جماهیر شوروی از افغانستان در سال «1979» هدف واشنگتن دریافت تسلط بر جغرافیایی سیاسی آسیای مرکزی می باشد .

## هلال طلایی تجارت مواد مخدره: جنگ مخفی ایالات متحده

امریکا علیه اتحاد شوروی در تحت نام حمایت از « جنگجویان آزادیخواه » مجاهدین افغانی یا (اکا القاعده ) در واقعیت امر چشم طمع و آذ به هلال طلایی تجارت مواد مخدره بود که توسط سازمان سیاه (سی آی ای ) بخاطر تهیه هزینه جنگ در مقابل اتحاد جماهیر شوروی بکار گرفته شده بود .

به تعقیب عقب نشینی اتحاد جماهیر شوروی از افغانستان ویا بعد از پایان جنگ اتحاد جماهیر شوروی و افغانستان ، جنگی که در تحت رهبری سازمان سیاه ایالات متحده امریکا پیش برده میشد ، توسعه و انکشاف و تجارت مواد مخدره در طول چند سال جنگ به یک حرفه ویا به یک کار سود اور چند میلیارد دالری در آمده بود . که در اصل سنگبنای جنگ ایالات متحده امریکا را تا سال (1980) تشکیل میداد. امروز افغانستان در تحت اشغال نیروهای نظامی ایالات متحده امریکا و ناتو درآمد سرشاری از تجارت اوبیوم دارند که طور تخمین میزان این درآمد ناشی از فروش مواد مخدره بالغ به «200\$» بلیون دالر میشود {مراجعه شود به ، میخایل چوسو دوفسکی ، «جنگ امریکا علیه تروریسم» گلوبال ریسرچ مونترال «2005» همچنان مراجعه شود به میخایل چوسو دوفسکی هیروین « برای سلامت شما خوب است » نیروهای اشغالگر بازارهای افغانستان ، مبارزه با مواد مخدره ، گلوبال ریسرچ اپریل ، 29 ، 2007}.

## بسوی غارت اقتصادی : رسانه های مزدور و گوش بفرمان ایالات متحده

امریکا درین تازه گی ها به نسبت درک از موجودیت ذخایر مواد معدنی و مخازن غنی و سرشار از ثروت افغانستان سر و صداهای را به عنوان « راه حل » و توسعه و انکشاف افغانستان براه انداخته اند زمزمه وار میگویند که با بهره گیری از استخراج این معادن فقر و تنگدستی ناشی از جنگ از بین خواهد رفت و به این مانور و طرز برخورد میخوانند بر اعمال زشت تهاجم و اشغال افغانستان که در سال (2001) بکار بستند سرپوش گذارند



و زخمهای ناشی از تجاوز خود را با ملهم افغانی التیام بخشند که گویا آنها وجوهه هزینه ای را برای استخراج مجتمع انرژی بکار خواهند انداخت .  
طوریکه همه میدانیم جنگ در افغانستان بخاطر حصول سود و نفع بوده که میتوان آن را « جنگ بر سر منابع » عنوان کرد.

در تحت نظر ایالات متحده امریکا و شرکای اشغالگر هدف چنین است که به نحوه از آنجا این معادن و ذخایر سر شار باید غارت گردد یعنی زمانیکه در کشور آرامی حکمفرما گردید به یقین میتوان گفت که مجتمع چند ملیتی به غارت و چپاول این مخازن خواهند پرداخت این مطلب را (اولگا بوریسوا در پایان برج اکتوبر سال (2001) بگونه پیشبینی) در تحت نام تجاوز ایالات متحده امریکا بالای افغانستان و جنگ علیه تروریسم نوشته بود و آنرا یک پالیسی استعماری بخاطر تامین و تسلط نفوذ بالای منابع کشورهای ثروتمند نظیر افغانستان تذکر داده بود. (Borisova, op, cit).

بخشی از اجندای ایالات متحده امریکا - ناتو اینست که باید بر ثروت ها و منابع سر شار افغانستان بخصوص بر مخازن گاز طبیعی افغانستان تسلط یابند و در رقابت جلو علایق تجارتي روسیه - ایران و چین را بگیرند.

## یادداشت :

**1-** هلال طلایی تجارت مواد مخدره در شرایط فعلی قلم عمده اقتصاد صادرات افغانستان را تشکیل میدهد و بعد از عقب نشینی ویا پایان جنگ اتحاد شوروی و افغانستان در سال «1979»، جنگی که توسط سازمان اطلاعاتی ایالات متحده امریکا «سی آی ای» رهبری میشود، تجارت هیروین که توسط همین شرکا و سازمان صورت میگرفت از فروش آن در بازارهای غرب مبلغ در حدود «200» بلیون دالر در سال بدست می آمد .  
\* از هنگام تجاوز ایالات متحده امریکا بالای افغانستان (2001) تولید مواد مخدره ویا نارکوتیک «35» مرتبه بالا رفته ، تولید اوپیوم در سال «2009» در حدود «6900» تن بود که با مقایسه در سال (2001) تقریباً «200» تن کمتر بود ، با در نظر داشت این رقم عاید چند میلیارد دالری ناشی از تولید و فروش و ترافیک مواد مخدره افغانستان که در بیرون از مارکیتهای افغانستان بقرش میرسد ویا میرسد به جیب همین حامیان جنگ و خشونت سرازیر میشود ویا همین اکنون میشود ( بادر نظر داشت داده های از جانب سازمان ملل متحد از تجارت مواد مخدره در آمدی که به اقتصاد محلی تعلق میگرد سالانه تقریباً «2-3» میلیارد دالر تخمین زده شده است ).

مقابلاً در حالیکه از فروش و تجارت مواد مخدره افغانستان در سراسر جهان پولی که سالانه بدست می آید بیشتر از «\$200» بلیون دالر میباشد .  
( میخایل چوسودوفسکی و « جنگ امریکا علیه تروریزم » گلوبال ریسرچ).  
----- با تقدیم احترامات